

ضربت خوردن امام علی

<?xml encoding="UTF-8">

اشاره

خورشید فروزان حیات امام علی علیه السلام ، در افق روز نوزدهم رمضان سال چهل هجری در آسمان شهر کوفه به خون نشست و شمشیر مسموم نفاق و کین، فرق انسان عدالت گستری را شکافت که برترین خلق پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. آنان که می خواستند نور خدا را خاموش کنند، نمی دانستند که اراده الهی، بر مانایی علی علیه السلام استوار است و می بینیم که همچنان، کردار و گفتار امام مؤمنان، چراغ راه مردان خدا و حق جویان و یکتاپرستان جهان است.

امام علی علیه السلام ؛ تجسم عدالت

بررسی نهج البلاغه نشان می دهد که از دیدگاه امام علی علیه السلام ، عدالت در رأس ارزش های اسلامی قرار دارد و تمامی ارزش ها به عدالت بازمی گردد. در ارزیابی، مدیریت و قضاوت، عدالت، شرط اصلی است. با این حال، تجسم عدالت، وجود مبارک خود امام علی علیه السلام بود. این معنا در سخن معروف توماس کارلایل، فیلسوف انگلیسی آمده است که گفت: «امام علی؛ ما را جز این نرسد که او را دوست بداریم و به او عشق ورزیم. در کوفه ناگهان به حيله کشته شد و شدت عدالتش موجب این جنایت گشت.» به سخن کارلایل می توان این جمله را افزود که در واقع، پافشاری امام علی علیه السلام بر اجرای احکام و پیروی از سیره پیامبر اسلام و پرهیز از انحراف در اداره حکومت، زمینه ساز توطئه بر ضد آن حضرت شد.

چشم انتظار دیدار پروردگار

در فرهنگ اسلامی، شهادت، هدف نیست، بلکه ابزار ایستادگی و پایداری در برابر تهاجم دشمنان دین است. هرگاه بستر ایثار و از خودگذشتگی فراهم شد، شهادت نیز پدیدار می شود. شهادت، وسیله ای است که در پیشگاه حضرت دوست، مقام و منزلت ویژه ای دارد و جایگاهی است برای ابراز تعبد و اخلاص در بندگی، و برای شهید شدن، چه کسی والاتر از امام موحدان، حضرت علی علیه السلام . انسان کاملی که به شهادت عشق می ورزید و واژه شهادت برایش نشاط آفرین بود.

در نامه 62 نهج البلاغه از زبان امام علی علیه السلام آمده است که من مشتاق ملاقات پروردگارم. آن حضرت، بهترین مرگ ها را کشته شدن در راه خدا می دانست و سوگند یاد کرده بود که هزار ضربه شمشیر بر من، آسان تر از مرگ در بستر در غیر بندگی خداست.

نوزده رمضان، سکوی پرواز ظاهری امام علی علیه السلام تا بی کران ها، زمان جدایی از خلق و رسیدن به محبوب واقعی بود.

از خلافت تا شهادت

حضرت علی علیه السلام بر آن بود تا آنجا که می شود، در پاسداری از اسلام و ارزش های آن تلاش کند و در این راه، افزون بر آیات قرآن، سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز به عنوان الگوی عملی مورد توجه آن حضرت قرار داشت. بنابراین، در مسئله خلافت نیز همین معنا مورد توجه قرار گرفت و دوران کوتاه رهبری سیاسی جامعه اسلامی، نماد برجسته ای شد از شیوه حکومت علوی. مدت این خلافت و پایان آن را خوارزمی، از نویسندگان اهل سنت، در کتاب مناقب خود چنین آورده است: «مدت خلافت علی علیه السلام چهار سال و ده ماه بود که به دست ابن ملجم مرادی به شمشیر مضروب شد و این حادثه شوم، قبل از ورود به دهه سوم ماه رمضان روی داد».

اوج جنایت بشری

حادثه ای که به شهادت امام علی علیه السلام انجامید، یکی از بزرگ ترین جنایت های بشری است؛ زیرا ابن ملجم مرادی، هیچ آزاری از امام ندیده بود. امیرمؤمنان علی علیه السلام برای او سرا پا مهر و محبت و خیر و برکت بود، چنان که برای دیگران.

این فاجعه، به بدنامی برنامه ریزان و عامل آن انجامید و برای امام علی علیه السلام، حیاتی بود بالاتر از حیات دنیوی. حادثه مسجد کوفه و واکنش امام، نمایشگر اوج انسانیت و جلوه ای از نمایش عدل علوی در تاریخ بشری است. نوزدهم رمضان سال چهل هجری، شاهد مظلومیت علی علیه السلام و اوج بندگی برترین انسان عصر پس از پیامبر بود.

از صحنه کارزار تا دیدار پروردگار

به طور معمول، در اسلام، جهاد آنجا معنا پیدا می کند که به مرزهای اسلامی حمله شده و جامعه اسلامی یا بخشی از آن مورد تهدید قرار گرفته باشد. جنگ هایی که در زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام رخ داد، چنین بود. در عین حال، اگر جنگی شکل می گرفت و آتشی شعله ور می شد، سردار و سپهسالار آن و امیر جنگاوران و سربازان اسلام، کسی جز شیر خدا، حضرت علی علیه السلام نبود. ایشان در شب آخر عمر سراسر جهاد و تلاش خویش و در فردای فاجعه نوزدهم رمضان، خطاب به دخترش می فرماید: «دخترم! من تمام عمرم را در معرکه ها و صحنه های کارزار گذرانده و با پهلوانان و شجاعان نامی مبارزه ها کرده ام. چه بسیار یک تنه بر صفوف دشمن حمله برده و بزرگان رزم جوی عرب را به خاک و خون افکنده ام. ترسی از چنین اتفاقات ندارم، ولی امشب احساس می کنم دیدار حق فرا رسیده است».

سبک بار و بی قرار

انسان ها از مرگ گریزانند و از گرفتاری در چنگال آن هراسی همیشگی دارند. اسلام، بزرگانی را به جوامع بشری معرفی کرد که نه تنها از مرگ نمی ترسیدند، بلکه آن را به بازی می گرفتند. برجسته ترین شخص در سبک باری و در عین حال بی قراری درباره مرگ در راه خدا، امیرمؤمنان علی علیه السلام بود. صحنه های فراوانی در زندگی امام علی علیه السلام پدید آمد که شاهی بر این معناست. برای نمونه، در جریان هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه

و آله ، در بستر ایشان خوابید و در واقع، در آغوش خطر آرمید. در جنگ بدر، نه تنها دلاوران قریش را به خاک انداخت، بلکه پشت ترس را نیز به خاک کشاند. در جنگ احد، بیش از هفتاد زخم برداشت، ولی پایداری اش، به اسلام و مسلمانان قوّت بخشید. از همه پرمعناتر اینکه، برای تأمین هزینه ازدواجش، زره خود را فروخت؛ زیرا به تعبیر پیامبر اسلام، به آن نیاز نداشت. آن انتظار و این بی قراری، درسحرگاه نوزدهم رمضان به وصال انجامید.

مدعیان حق و حق کشی

مسجد کوفه در نوزدهم ماه رمضان سال چهلّم، محلی بود که پرده از چهره مسلمان نمایان برداشته شد. خوارج باقی مانده از جنگ نهروان، نورانیت خورشید را نمی دیدند و حق و باطل را به گونه ای یکسان در تاریکی می پنداشتند و تنها خود را مسلمان می دانستند. به تعبیر امام خمینی رحمه الله ، آنهایی که حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام را در محراب عبادت کشتند، مدعی اسلام بودند و با اسم اسلام، با اسلام جنگیدند. ایشان در جای دیگر، از عده ای یاد می کند که پیشانی شان از شدت طول سجده پینه بسته بود، ولی حق را کشتند. این مسئله و شهادت امام علی علیه السلام ، گواه مظلومیت و غربت آن امام همام است.

نوزده رمضان، از منظری دیگر

فاجعه نوزده رمضان سال چهلّم هجری را از زبان ابن ملجم مرادی می توان این گونه بیان کرد: علی علیه السلام وارد مسجد شد و پس از آنکه با خدای خویش راز و نیاز کرد، راه پشت بام مسجد را در پیش گرفت و با ندای بلند، آواز اذان سر داد. آن گاه با صدای محبت آمیزش مرا برای نماز بیدار کرد. سپس در محراب به نماز ایستاد. لحظات سخت و سنگینی بود. همین که علی علیه السلام سر از سجده برداشت، بلافاصله شمشیرم را بالای سر بردم و با تمام قوا آن را فرود آوردم و درست بر جایی زدم که عمر و بن عبدود در جنگ خندق بر سر علی علیه السلام ضربه زده بود. این ضربت تا سجده گاهش را شکافت و خون فواره زد، ولی علی علیه السلام فقط ندا در داد: «به خدای کعبه رستگار شدم».

از هدایت به ضلالت

امام علی علیه السلام ، مقام امامت و پیشوایی امت اسلامی را بر عهده داشت. در کتاب شریف نهج البلاغه، به جایگاه رهبری و نیز وظایف حاکم جامعه دینی اشاره شده است. مبارزه با فساد و رهبران فاسد، بهره وری از دانش، بینش و مدیریت همراه با پیشینه درخشان و دارا بودن صفاتی چون مردم دوستی، خودسازی، هوشیاری، قاطعیت، هماهنگی در گفتار و کردار و دردمندی، از جمله نکاتی است که مورد توجه امام علی علیه السلام قرار گرفته است. با این عقیده، امیرمؤمنان پس از آنکه در مسجد کوفه هدف قرار گرفت، خطاب به ابن ملجم فرمود: «آیا من برای تو امام بدی بودم که با من این گونه رفتار کردی؟ آیا بر تو مهربان نبودم؟ آیا بیش از دیگران به تو عنایت نکردم؟ آیا عطایت را زیاد نکردم؟ زیرا امید داشتم که از گمراهی رهایی یابی و به هدایت رهنمون شوی».

مدارا با اسیر

بی تردید، فتوت و مردانگی، از ویژگی های اخلاقی است که بسیار مورد توجه و تأکید قرآن و آموزه های تربیتی

پیشوایان معصوم علیهم السلام قرار گرفته است. دامنه این مردانگی در مورد آن بزرگواران چنان گسترده است که حتی گاه بر سر دشمنان دین نیز سایه افکنده است. یکی از جلوه های تاریخی و ماندگار اخلاق اسلامی، مسئله برخورد امیرمؤمنان علی علیه السلام با ابن ملجم مرادی است. در تاریخ آمده است که امام علی علیه السلام فرمود: «او اسیر شماس است، به او نیکی کنید. محلی را که در آن زندانی است، وسیع قرار دهید. اگر من زنده ماندم، او را خواهم کشت یا اگر مایل بودم، خواهمش بخشید. اگر مردم، او را یک ضربت بزنید، همان گونه که بر من ضربت زده است.» این وصیت را شهریار شعر ایران زمین، این گونه به نظم آورده است:

به جز از علی علیه السلام که گوید به پسر که قاتل من
چو اسیر توست اکنون، به اسیر کن مدارا

از زبان دشمن

بزرگی و بزرگواری امیرمؤمنان علی علیه السلام ، بدیهی و کتمان ناپذیر است و در قرآن کریم نیز آیات متعددی در این باره وجود دارد. جالب اینجاست که دشمنانش نیز این شخصیت بزرگ را ستوده اند. معاویه، دشمن سرسخت آن حضرت، پس از شنیدن خبر شهادت امام علی علیه السلام گفت: «کسی را از دست دادند که منبع دانش، برتری و نیکی بود و مقام برجسته ای داشت. نمی دانید اسلام، چه شخصیت دانشور، فضیلت گستر، پرسابقه و درخشنده ای را از دست داد.» این در حالی است که میزان دشمنی معاویه با آن حضرت، بر هیچ کس پوشیده نیست.